



۲۰۲۰/۰۸/۰۸



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

باز یادی از مرحوم «ضیاء قاریزاده»

دعوی صداقت

هر که دعوی صداقت را به غوغا می کند
آب را در شیر یکجا کرده سودا می کند
زحمت خاری نبیند، پای تا در دامن است
هرزه گردی مرد را بسیار رسوا می کند
طبع گوهر را ملالی نیست از آشوب دهر
کی دل دانا ز فکر دهر پروا می کند
سیر دارد این همه نیرنگ چرخ رنگباز
روز چون پایان شود، شب پرده بالا می کند
کیست تا گوید ز من بازیگر این صحنه را
نقش نیکوتر که اهل دل تماشا می کند
آب را نادیده هر کس موزه از پا می کشد
چون حباب هستی خود را نقش دریا می کند

۲ از ۱

هرچه امروز است نقش نیک و بد در زندگی

پرده دار آسمان، بی پرده فردا می کند

شعله من گرچه خاکستر نشین باشد «ضیاء»

آخر از یک باد غیرت، بال و پر، وا می کند



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

باز یادی از مرحوم «قاریزاده» دعوی صداقت
assir_n_baz_yade_azqarizada_dawaye_sedaqat.pdf

